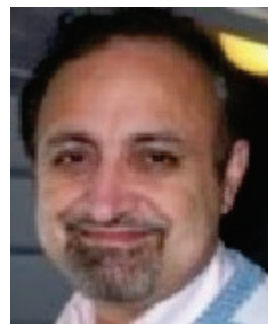
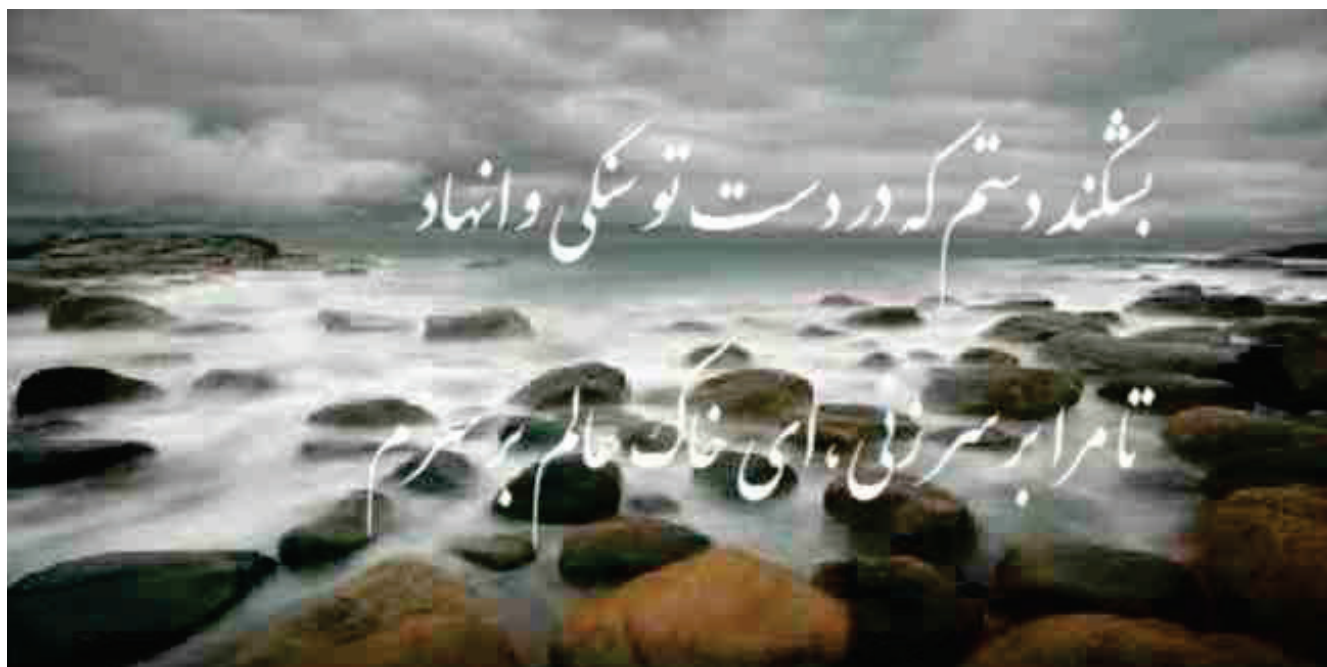


جهاد راستین افغانها و مالیخولیای خشونت مذهبی !

پیوسته به گذشته قسمت شصت و هفتم :



محمد امین فروتن



نباید تعجب کرد که چگونه محافظه کاران مجاهد نمای سرزمین افغانستان در کنار بقیه دشمنان این جغرافیای سوخته و تاریخ از دیر بدینسو آنتشی را تازه میکنند که معاندان و آتش آفرزان برای خاکستر آن به انتظار نشسته اند . با تأسف باید گفت که برخورد اکثری از ما با این عملیه کارساز نیست و هر آئینه که برخورد با چنین مسأله مهم و سرنوشت سازی در تاریخ کشور ما دست کم از قدرتهای بزرگ ندارد که بصورت مستقیم سرنوشت جامعه ما را می فشارند . بیاید اکنون از این گلیله و گلیله گذاریها بگذاریم و به مبحث باقی مانده مان که به دوران حکمروائی ویسرای افغانی الاصل والاحضرت زلمی خان خلیلزاد بر افغانستان بویژه ارتباط اش با امیر صاحب اسمعیل خان مطرح شده بود برگردیم . چنانچه قبلاً تذکر داده و نوشته بودیم برای نخستین مرحله پس از چندین سال ولایت مطلقه در هرات آنگاه که زلمی خلیلزاد سفیر و وایسرای افغان تبار ایالات متحده امریکا در کابل مهره های بومی و وطنی مانند حامد خان کرزی را هدایت و امر ونهی میکرد امیر اسمعیل خان سلطان بی بدیل هرات را در کابل مرکز افغانستان بحیث وزیر برق وانرژی به کار گماشتند . البته همانگونه که گفته شد در

چنین حالتی تمامی نیروهای که با احساس ناب اما عمدتاً غیر عقلانی در برابر روسهای اشغالگر دست به سلاح برده بودند و روی همین معیار خود را برتر از همه عالم می شمردند وقتی با هر دلیلی منافع شخصی خویش را در خطر می یافتند با مختصر اندیشیدنی به معادله چند مجهوله امر به معروف و نهی از منکر رو آوردند . به صورت علنی و بر سر بازار جار زدند و گفتند :

<https://www.youtube.com/watch?v=vU1Ny1DOb20>



یادت باشد با اعمال ات مؤظف کن در بزبان

اما این بار که باران دالر و دینار بر دشت های از ارگ سالهای سال نه می بارید و خشکیده بود همان معادله چند مجهوله امر بالمعروف را تبدیل به شمشیردوسره ای ساختند که در راه رسیدن به غنیمت ها مورد استفاده قرار می دادند تمامی نیروهای را که در صحنه جهاد و هجرت حضور داشتند قبولاند که گویا از صحنه قدرت بیرون گذاشته شده اند . ! بدین سان مسأله تناقض مردم سالاری و مسؤلیت پذیری را با سازوکار امارت های استبدادی و اشرافیت مذهبی مورد داوری قرار می داد با تعبیر نادرستی از آیه ء فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً ۗ به پیش برده می شود البته باید گفت که ریشه های این گفتمان بر اساس رهیافت ساکن و متناقض با حقیقت هستی و تاریخ انسان استوار است که ریشه های آن با نوک شمشیر های خون آلود دیکتاتور های معاصر به ملاحظه میرسند . اما عوامل گوناگونی سبب گردید که هواداران این گفتمان را بصورت مجموعی قناعت دهند تا بتاريخ ۱۸ مارچ سال جاری در یک گردهم آئی بزرگی از مجاهدین و انصار که دردهای از هجرت را برشانه هایش حمل کرده بودند با شعار اسلام دین اخوت است و رحمت ! نه شقاوت و خشونت !



در خیمه تاریخی لویه جرگه افغانستان برپا دارند اما هیچکسی نه دانیست که چرا علی الرغم آن همه آمادگی های ضربتی مراسم تدویر جلسه بزرگی از مجاهدین از تدویر آن جلسه خبری نه شد! تا سرانجام تمامی گروه های از مجاهدین که قبلاً برای گردهم آئی در جلسه متشکل از رهبران گوناگون جهادی پیشبینی شده بود بتاريخ ۱۲ آپریل ۲۰۱۵ در تالارتاریخی لویه جرگه گردهم آمدند و در اجلاسی شرکت نمودند که گویا به ابتکار شخصیت ملی و جهادی آقای قطب الدین هلال تدویر یافته بود و در آن معائر با آنچه که ایمان بر عدم خشونت به وجدان شان تبدیل گردیده باشد بصورت مصنوعی شعارهای اسلام دین عدالت و اخوت است نه دین افراط و تفریط؛! سر دادند

باقی دارد